

قاتل فراری در خواب بازداشت شد

■ **آرمین بینا**
مرد اتباعی که در حادثه‌ای دامادشان را به قتل رسانده بود در یکی از پارک‌های تهران روی نیمکتی خواب بود که بازداشت شد. متهم در بازجویی ها گفت قصد فرار از ایران را داشته، اما قاچاقچی انسان سر او کلاه گذاشته است.

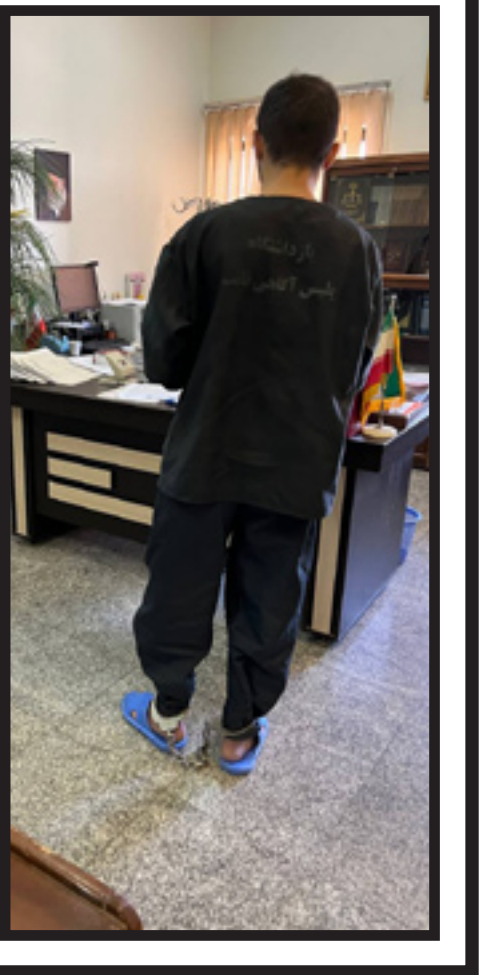
شامگاه دوشنبه ۱۱ فروردین ماه امسال، قاضی موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در ساختمان مسکونی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

■ **برادرزن**

تیم جنایی در اتساق پذیرایی خانه‌ای در نزدیکی خیابان نبرد با جسد مرد جوانی به نام بصیر روبهر و شش‌دند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت مقتول در درگیری با برادرزنش به قتل رسیده و قاتل هم پس از حادثه از محل گریخته است. خواهرزن ۱۴ ساله مقتول که شاهد حادثه خونین بوده به مأموران گفت: «خوهرم چند روز قبل برای فروش ملکی که به نامش بود به افغانستان رفت و به همین خاطر من برای نگهداری از فرزندان خوهرم به خانه او آمدم. دامادمن محل کارش بود و ساعتی قبل به خانه برگشت. وقتی وارد خانه شد من تصمیم گرفتم به خانه خودمان برگردم. اما اوصار کرد بمانم و بعد هم فهمید نیت شیطانی دارم. می‌خواستم از خانه‌اش بیرون بروم که مانع شد و من هم با برادرم تماس گرفتم و در خواست کمک کردم. برادرم به سرعت خودش را به خانه خوهرم رساند و با دامادمان درگیر شد و او را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند و سپس فرار کرد.»

■ **بازداشت در خواب**

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران پسر جوان به نام مقصورا به جرم قتل دامادشان تحت تعقیب قرار دادند. اما متوجه شدند وی پس از حادثه به خانه‌شان رفته و فراری شده است.



متجاوز اتباع اعدام شد ۲ قاتل مهلت گرفتند

■ **غلامرضا مسکنی**
دو محکوم به قصاص و یک متجاوز سحرگاه دیروز برای اجرای حکم پای چوبه‌دار حاضر شدند. مرد متجاوز حکمش اجرا شد، اما دو محکوم به قصاص به خاطر عدم حضور اولیای دم حکم‌شان به صورت موقت متوقف شد.

سحرگاه دیروز چهارشنبه، دهم اردیبهشت سه متهم که یکی به جرم تجاوز به پسر خردسالی به اعدام محکوم شده‌بود و دو قاتل که در حادثه‌های جداگانه در سال‌های گذشته مرتکب قتل و به قصاص محکوم شده‌بودند، برای اجرای حکم در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار بودند. مرد متجاوز که از اتباع است و قبل از این سه بار پای چوبه‌دار رفته بود و به خاطر نوشتن توبه‌نامه اجرای حکمش به تعویق افتاده‌بود، این بار توبه نامه‌اش از سوی قضات دادگاه کیفری قبول نشد و دقایقی مانده به طلوع آفتاب اعدام شد. اما دو قاتل دیگر به خاطر اینکه اولیای دم‌ها برای اجرای حکم در زندان حاضر نشده بودند، اجرای حکم‌شان متوقف شد و به سلولشان بازگشتند.

■ **۱۰سال قبل**
شهریور ماه سال ۹۳ زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از مرد شیطان‌صفتی به اتهام آزار واذیت پسر ۱۱ ساله‌اش شکایت کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «پسر روز قبل به محل کار پدرش رفته‌بود و ساعتی قبل که به خانه بازگشت حالش بد بود. وقتی از او سؤال کردم، متوجه شد یکی از همکاران پدرش به زور به او تجاوز کرده است.» با شکایت زن جوان، تحقیقات درباره این پرونده آغاز شد و مأموران خیلی زود متهم را که مرد اتباعی بود، بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد و گفت: «آن شب پسر ۱۱ ساله به محل کار پدرش آمده‌بود و وقتی پدرش بیرون رفت، شیطان مرا وسوسه کرد و نیت شومم را اجرا کردم.»

متهم پس از اعتراف در دادگاه به اعدام محکوم شد و پرونده‌اش پس از تأیید حکم برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرا فرستاده شد. مرد شیطان صفت قبل از این سه بار پای چوبه‌دار رفت،

مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو و سواری پراید صبا به رنگ سفید مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۱۴۱۶-۷۱۵-۱ ایران ۳۱ و شماره موتور ۰۰۰۶۸۱۵۳ و شماره شاسی ۳۱۴۱۲۲۸۲۲۲۲۳۰ متعلق به سازمان خدمات موتوری شهرداری خرم آباد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص منادیان بصیرت به شناسه ملی ۱۰۶۱۰۰۶۰۰۹۶ و به شماره ثبت ۴۱۹۷۸۳

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ مجوز شماره ۱۳۹۸۱/۰۳۹۸۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیات ذیل اتخاذ شد:
آقای سلمان نصیری به شماره ملی ۰۳۲۲۸۸۰۸۸ به نمایندگی از شرکت بنیاد تعاون بسیج به شناسه ملی ۱۰۱۲۳۶۵۱۴۱ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۳ آقای مهدی بسیجیان به شناسه ملی ۳۹۲۲۷۸۰۳۴۵ به نمایندگی از شرکت خدمات درمانی بسیجیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۴۲۱۶۰ به سمت نایب رییس هیئت مدیره و مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۳ آقای عمار نجف زاده به شماره ملی ۴۹۳۹۹۰۷۴۸۱ به نمایندگی از شرکت مسکن و عمران اجتماعی بسیج به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۷۴۴۲۰ به سمت عضو اصلی و رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ انتخاب گردیدند.
کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور ، سفته، برات وقراردادهای شرکت با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و چک ها با امضا مدیر عامل و مسئول مالی شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضا رئیس هیئت مدیره و مسئول مالی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اذیت و تهر شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۹۲۳۴۷)

اما هر سه بار توبه نامه نوشت و حکمش به صورت موقت متوقف شد. توبه‌نامه‌های متهم از سوی دادگاه قبول نشد و سحرگاه دیروز پس از ۱۱ سال از وقوع حادثه اعدام شد.

■ **قتل تازه‌عروس**

دومین متهم مرد جوانی به نام حامد است که ۱۵ سال قبل در درگیری همسرش را که هنوز سه ماه از ازدواج‌شان نگذشته‌بود، به قتل رساند و پس از دستگیری به قصاص محکوم شد. یکی از روزهای بهمن ماه سال ۱۳۸۹ مأموران پلیس تهران از قتل زن ۱۷ ساله‌ای با خبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در ساختمان مسکونی با جسد تازه عروسی به نام مهتاب روبهرو شدند که با ضربات چاقو به قتل رسیده‌بود. بررسی‌ها نشان داد تازه عروس در خانه پدر شوهرش میهمان بوده که لحظاتی قبل در درگیری با شوهرش به نام حامد به قتل می‌رسد و قاتل هم پس از حادثه به مکان نامعلومی می‌گریزد.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران قاتل فراری را تحت تعقیب قرار دادند و در نهایت مدتی بعد وی را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

■ **می‌خواستم بترسانمش**

متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به جرم خود اقرار و ادعا کرد قصد قتل نداشتن و فقط می‌خواستم همسرم را بترسانم، اما خواسته او را به قتل رساندم.

وی در توضیح ماجرا گفت: «من از دوران بچگی سختی‌های زیادی کشیدم. مادرم و پدرم به خاطر اختلافی که با هم داشتند، از هم جدا شدند و من هیچ زمانی محبت پدر و مادر را نچشیدم. حدود چندماه قبل همراه پدرم به خواستگاری مهتاب رفتم و خانواده‌اش قبول کردند و با هم ازدواج کردیم. زندگی ما ابتدا خوب بود و با هم مشکلی نداشتیم، اما مدتی بعد دخالت‌های مادرش در زندگی ما شروع شد. مادر زنم در همه کارهای ما دخالت می‌کرد و همین موضوع باعث شده‌بود من و همسرم با هم اختلاف پیدا کنیم. چندین بار به مهتاب گفته‌بودم که ما درش بخواهد در زندگی ما



دخالت نکند و تحت تأثیر صحبت‌های مادرش هم قرار نگیرد، اما فایده‌ای نداشت.»

■ **مراسم پاکشا**

متهم ادامه داد: «شب حادثه پدرم برای مهتاب مراسم پاکشا گرفته بود و من و همسرم همراه تعدادی از بستگان در خانه‌اش دعوت بودیم. شام خوردیم و همه دور هم صحبت می‌کردیم که مادر زنم دوباره در زندگی ما دخالت کرد. از همسرم خواستم با مادرش صحبت کند و از او بخواهد به زندگی ما کاری نداشته باشد و همین موضوع باعث ماجرا ما شد. عصبانی شدم و می‌خواستم همسر را بترسانم که چاقویی از جیبم بیرون آوردم و به طرفش پرتاب کردم. وقتی زخمی شد از ترس فرار کردم، اما فکر نمی‌کردم همسرم فوت کند تا اینکه دستگیر شدم و فهمیدم همسرم به قتل رسیده‌است.»

■ **حکم قصاص**

متهم پس از کامل شدن تحقیقات برای محاکمه از زندان به دادگاه منتقل شد. متهم دوباره اظهار پشیمانی کرد و از اولیای دم درخواست بخشش کرد، اما اولیای دم او را نپذیرشیدند و در دادگاه در خواست قصاص دادند. متهم به قصاص محکوم شد و رای دادگاه هم پس از

زودتر خودم را به خانه دامادمان برسانم. خیلی نگران شدم و خواهرم هم تلفنش قطع شد و وقتی خودم را به خانه خواهرم رساندم، دیدم وحشت‌زده است. خواهرم به من گفت دامادمان به فرزندانش قرص خواب‌آور داده و می‌خواست به او تجاوز کند، اما موفق نشده، من هم عصبانی شدم و با دامادمان درگیر شدم.

■ **دامادان صحبت‌های خواهرت را قبول کرد؟**

نه. او می‌گفت خواهرم دروغ می‌گوید و اصلاً چنین نیتی نداشته است، اما خواهرم دروغ نمی‌گفت و از طرفی یکی از فرزندان خواهر بزرگم به من گفت که پدرش به او قرص داده و می‌خواسته به خاله‌اش تجاوز کند.

■ **پس از قتل کجای رفتی؟**

فرار کردم، اما فکر نمی‌کردم دامادمان فوت کرده باشد تا اینکه چندروز بعد از طریق یکی از دوستانم باخبر شدم.

■ **چرا خودت را معرفی نکردی؟**

از زندان می‌ترسم و وقتی فهمیدم دامادمان به قتل رسیده، تصمیم گرفتم از ایران فرار کنم، اما موفق نشدم.

■ **چرا موفق نشدی؟**

یکی از دوستانم قاچاقچی انسانی را به من معرفی کرد و قرار بود مرا از مرزهای غربی به ترکیه برساند. من به خانه‌مان رفتم و هر چقدر دلار، طلا و پول داشتم برداشتم و به قاچاقچی انسان دادم. شب بعد در یکی از پارک‌ها قرار گذاشتیم و قول داده بودم مرا به مرز ترکیه برساند، اما وقتی سر قرار رفتم، هر چقدر منتظرش ماندم خبری از او نشد. فهمیدم که او مرا فریب داده و سرم کلاه گذاشته است.

■ **بعد چه کار کردی؟**

آواره کوچه و خیابان شدم و شب‌ها در پارک‌ها می‌خوابیدم. آنقدر بی‌پول شده‌بودم که خیلی از شب‌ها با شکم گرسنه می‌خوابیدم، اما از ترس خودم را به پلیس معرفی نکردم.

تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادرسی امور جنایی تهران فرستاده شد.

■ **مهلت**

بدین ترتیب تازه داماد در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت و در سال‌های گذشته دو بار برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت، اما هر بار با میانجیگری تیم صلح و سازش موفق به گرفتن مهلت از اولیای دم شد. وی سحرگاه دیروز برای سومین بار در زندان قزلحصار پای چوبه دار ایستاد، اما مادر مقتول به عنوان اولیای دم برای اجرای حکم در زندان حاضر نشد و به همین دلیل حکم قصاص وی متوقف شد و قاتل به سلولش بازگشت.

■ **قتل دختر عمو**

سومین متهم که از پای چوبه دار به سلولش بازگشت، مرد جوان اتباعی به نام بشیر است که ۱۶ سال قبل به خاطر سرقت، دختر عموش را به قتل رسانده‌بود.

اول تیرماه سال ۸۸ مأموران شهرستان فشافویه در اطراف تهران از قتل دختر جوانی در خانه‌شان با خبر شدند. وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند، دریافتند قاتل پسر جوان اتباعی به نام بشیر است که ساعتی قبل با انگیزه سرقت، دو دختر عموش را با چاقو زخمی می‌کند. در این حادثه دختر عموی بزرگ بر اثر شدت جراحات به قتل می‌رسد و دختر عموی کوچک‌تر زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود.

■ **۱۶ سال بلاتکلیفی**

متهم پس از دستگیری با اظهار پشیمانی به جرم خود اقرار کرد و در توضیح ماجرا گفت: «مدتی بود با مشکل مالی روبه‌رو شده بودم، به هر دری زدم، نتوانستم پول فراهم کنم تا اینکه نقشه سرقت از خانه عموم را طراحی کردم. خبر داشتم عموم در خانه‌اش پول نگهداری می‌کند و زن و بچهای هم طلای زیادی دارند. روز حادثه فهمیدم خانواده عموم خانه یکی از بستگان دعوت هستند و تصمیم گرفتم از خانه‌شان سرقت کنم. وقتی وارد خانه‌شان شدم با دو دختر عموم مواجه شدم. فکر می‌کردم آنها هم به میهمانی رفته باشند، اما اشتباه فکر کرده‌بودم و مجبور شدم با آنها درگیر شوم. با چاقو آنها را زخمی و اموالشان را سرقت کردم.»

متهم پس از اعتراف در دادگاه، به قصاص محکوم شد و حکم دادگاه هم برای اجرای به شعبه اجرای احکام دادرسی امور جنایی تهران فرستاده شد. متهم قرار بود سحرگاه دیروز حکم قصاصش اجرا شود، اما اولیای دم در زندان حاضر نشدند و حکمش به صورت موقت متوقف شد. بدین ترتیب وی به سلولش بازگشت.

ضرورت تقویت گزارش‌های میدانی در شرایط بحران



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

فقدان خبرنگاران میدانی در شرایط بحران، یکی از آسیب‌هایی است که رسانه‌ها به آن مبتلا شده‌اند. وخامت وضعیت اقتصادی رسانه‌ها از جمله موضوعاتی است که سبب شده عمده رسانه‌ها برای اعزام خبرنگاران به محلی که حادثه در آن رقم می‌خورد دست به جیب نشوند، از همین‌رو بخش مهمی از اتفاق‌هایی که در میدان رقم می‌خورد اصلاً روایت نمی‌شود. در مورد حادثه بندر عباس همچنان که شاهد بودیم، عمده رسانه‌ها موفق به اعزام خبرنگاران میدانی به محل حادثه نشدند. به دلیل تمرکز رسانه‌ای کشور در پایتخت، بحران‌هایی که دور از تهران رقم می‌خورد به این موضوع دامن می‌زند، از همین‌رو سال‌هاست شاهد افول گزارش‌های میدانی در رسانه‌ها هستیم. گزارش‌های میدانی براساس مشاهدات خبرنگاران حوزه بحران تهیه می‌شود. این دسته از خبرنگاران بنا به تجربه و مهارت‌هایی که در مواجهه با حوادث ناگوار دارند این امکان را دارند که روایت‌های درستی از ماجرا منتشر کنند و در اختیار مخاطبان قرار دهند. بنابراین حضور هر خبرنگاری در چنین محل‌هایی نمی‌تواند به موفقیت گزارش مورد نظر کمک کند. هر چه حضور خبرنگاران در زمان وقوع حادثه نزدیک‌تر باشد، امکان دسترسی به بسته‌های مهم خبری هم بیشتر است. در چنین شرایطی شاهدان هنوز در محل حضور دارند و می‌توانند مشاهدات عینی خود را برای خبرنگاران شرح دهند و به کیفی‌بهرتر حقیقت کمک کنند. در وضعیت موجود و با قدرت گرفتن رسانه‌های غیررسمی، مخاطبان دریافت‌های خود را با دنبال کردن شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند. رسانه‌های غیررسمی از جمله صفحات فضای رسانه‌ای هستند که به دلیل پایین بودن آگاهی اجتماعی و عدم سیرمایه‌گذاری فرهنگی در این حوزه رشد کرده و قدرت گرفتند، از همین‌رو بخش مهمی از توان ساختار قانونی کشور در مسیر پاسخگویی به روایت‌های نادرست این رسانه‌ها صرف می‌شود. حادثه پلاسکو یکی از اتفاق‌های ناگوار ی بود که در تقویم حوادث کشور ثبت شد. ۳۰ ماه ۱۳۹۵ این حادثه هولناک در قلب تهران رقم خورد که در جریان آن، ۱۵ آتش‌نشان و پنج شهروند خبرنگاران این امکان را پیدا کردند که هم‌زمان با امدادگران به مدت ۹ روز در محل حاضر شوند و گزارش‌های میدانی خود را منتشر کنند. دوم خردادماه ۱۴۰۱ اما وقتی حادثه مشابه با فروریختن ساختمان متروپل در آبادان اتفاق افتاد، این امکان برای خبرنگاران میدانی به دلیل آن چه در بالا اشاره شد فراهم نشد. در جریان این حادثه ۴۳ نفر جان باختند و ۳۷ نفر هم زخمی شدند. با این حال خبرنگارانی که در محل پلاسکو حاضر بودند این امکان را نداشتند که در ساختمان متروپل هم حاضر شوند و روایت‌های خود از حادثه‌ای را که اتفاق افتاده بود، منتشر کنند. گزارش‌های میدانی یکی از نقاط قوت رسانه‌ها محسوب می‌شود که هم منجر به قدرت گرفتن رسانه و هم منجر به پرهیز از انتشار شایعات در جامعه می‌شود. بنابراین ساختار رسانه‌ای کشور، با توجه به این موضوع می‌تواند از این بازوی رسانه‌ای برای دفع آسیب‌هایی که در انتشار این دسته از اخبار وجود دارد، جلوگیری کند.

اعتراف به قتل همسر باپتک

مردی که متهم است در شهرستان خدابنده، همسرش را با ضربات چکش و پتک به قتل رسانده خودش را تسلیم پلیس کرد.
به گزارش «جوان»، سرهنگ غنیمتی، فرمانده انتظامی شهرستان خدابنده گفت: دو روز قبل مردی وارد کلابتری ۱۱ این شهر شد و گفت همسرش را ساعتی قبل در خانه به قتل رسانده است. بعد از آن مأموران، مرد ۳۵ ساله را بازداشت کردند و به همراه وی راهی خانه‌اش شدند. مأموران وقتی قدم به خانه گذاشتند با جسد زنی جوان حدوداً ۳۸ ساله با سر و صورت خونی مواجه شدند. متهم در بازجویی‌ها گفت که همسرش را با ضربات چکش و پتک موجود در محل به قتل رسانده است. متهم گفت از مدتی قبل با همسرش اختلاف داشته و لحظاتی قبل از حادثه وقتی مشاجر آنها بالا گرفته، کنترلش را از دست داده و حادثه خونین را رقم زده است. هم‌زمان با حضور بازپرس در محل و انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات از متهم جریان دارد.

خودکشی پس از قتل دختر مورد علاقه

پسر جوان در شهرستان یاسوج وقتی با پاسخ منفی از سوی دختر مورد علاقه‌اش مواجه شد، وی را به قتل رساند و خودکشی کرد.
سیدوحید موسویان، دادستان عمومی و انقلاب یاسوج گفت: ظهر روز گذشته، مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش تیراندازی در بلوار شهید مطهری یاسوج و روبه‌روی دانشگاه علوم پزشکی در محل حاضر شدند. مأموران پلیس در محل حادثه با اجساد پسر ۲۵ ساله و دختری ۲۴ ساله مواجه شدند که با شلیک گلوله به کام مرگ رفته بودند. بررسی‌های بعدی نشان داد پسر جوان بعد از قتل دختر با شلیک گلوله به زندگی خود نیان پایان داده است. با حضور بازپرس در محل و انتقال اجساد به پزشکی قانونی، تحقیقات پیش‌تری در این باره انجام شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که دختر به پسر با هم نسبت فامیلی داشتند و مدتی قبل پسر جوان به خواستگاری دختر می‌رود. او زمانی که متوجه می‌شود دختر مورد علاقه‌اش به درخواست او پاسخ منفی داده، حادثه خونین را رقم می‌زند که بررسی‌های بیشتر ادامه دارد.



مرگ پیرزن در تصادف پراید و کامیون

سختگویی آتش‌نشانی تهران از مرگ یک زن سالخورده در تصادف پراید با کامیون خبر داد.
به گزارش «جوان»، جلال ملکی گفت: ساعت ۸:۵۱ صبح روز گذشته، آتش‌نشانان بعد از دریافت گزارش سانه‌رانندگی در شرق به غرب بزرگراه شهید خرازی مقابل شهرک شهید باقری در محل حاضر شدند. وی افزود: بررسی‌ها نشان داد یک دستگاه کامیون به دلایل نامشخصی با یک خودروی پراید که راننده و سرنشین آن دوزن بودند، تصادف کرده است.

ملکی ادامه داد: آتش‌نشانان در نخستین اقدام یکی از سرنشینان را که زنی ۴۳ ساله بود و دچار شوک شده بود، از خودرو خارج کردند و در دومین گام زن ۷۴ ساله را که در صندلی عقب خودرو گرفتار شده بود، از محل خارج کردند که به تأیید امدادگران اورژانس فوت شده بود.

پلیس علت حادثه را حرکت با دنده عقب پراید اعلام کرده است.